

سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی
در هفدهمین گردهمایی سالانه ائمه جمعه سراسر کشور

تکانه‌های آسیب‌های اجتماعی و پیامدهای ناگوار

موضوع این سمینار، «آسیب‌های اجتماعی، ریشه‌ها و پیامدها» است که یکی از موضوعات بسیار مهم و حساس در این مقطع برای کشور ما است. این موضوع از ابعاد مختلف اجتماعی، روانشناختی، علوم تربیتی، حقوق و کیفرشناسی و همچنین از زوایای اطلاعاتی، انتظامی، امنیتی، قضائی، سیاسی و اقتصادی قابل بحث و بررسی است.

مسئله آسیب‌های اجتماعی برای همه جوامع و همه نظامهای حکومتی به عنوان یکی از دلمشغولی‌های اصلی دولتمردان محسوب می‌شود، به ویژه برای کشور و انقلاب ما که یکی از اهداف مهم آن، استقرار نظام اخلاقی و معنوی در جامعه بوده است. بنابراین، طرح این مبحث برای جامعه ما دارای اهمیت خاص و ویژه‌ای است. معمولاً در هر جامعه‌ای، وسعت آسیب‌های اجتماعی، نرخ رشد و نحوه تراکم آنها سه علامت مهم هشداردهنده تلقی می‌شوند. اگر آسیب‌های اجتماعی دارای گستره وسیع، تراکم و نرخ رشد بالایی باشند، نه تنها آرامش و امنیت جامعه را به مخاطره می‌افکنند بلکه حتی ممکن است امنیت ملی یک کشور را نیز مورد تهدید قرار دهند.

مسئله بسیار مهم در شرایط فعلی برای جامعه ما علاوه بر مسئله نرخ جرایم و مفاسد اخلاقی، شکافهای گوناگون اجتماعی است. در واقع امروزه در کشورمان شاهد گسل‌های فراوان

اجتماعی هستیم که این گسل‌ها هم خود آسیب‌اند و هم آسیب‌ساز می‌باشند؛ از قبیل فاصله ارزشی و هنجاری بین نسل‌ها که به نظر می‌رسد این شکافها در مسیر پیشروی و نهادینه شدن می‌باشند. در بحث فاصله ارزشی بین نسل‌ها، شکاف بین نسل انقلاب و دو نسل بعد از آن، از اهمیت خاصی برخوردار است.

آسیب‌های اجتماعی از زبان آمار

در مقدمه این بحث به یک آمار و سپس به یک نظر سنجی اشاره می‌کنم، تا ابعاد مسئله آسیب‌های اجتماعی در جامعه ما روشنتر گردد. آمار تیرماه سال ۱۳۸۱، به ما می‌گوید، آمار زندانیان کشور نسبت به تیرماه سال قبل، ۱۷/۲۴ درصد افزایش یافته است.^۱ افزایش بیش از ۱۷٪ آمار زندانیان، زنگ خطری است که به صدا درآمده است. معمولاً ملاک یک به هزار است.^۲ اگر در میان یک جمعیت ۱۰۰ هزار نفری ۱۰۰ نفر زندانی باشند نسبتاً قابل قبول است. یعنی اگر از هر هزار نفر یک نفر زندانی باشد، نسبتاً جامعه متعادل است. اما متأسفانه آمار و ارقام زندانیان کشور نشان می‌دهد که تعداد زندانیان ما خیلی بیشتر از این تُرم است.^۳

اگر آمار زندانیان کشورمان را از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۰ مقایسه کنیم، می‌بینیم در طول این ده سال، تعداد زندانیان ما به بیش از دو برابر افزایش یافته است و از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ یعنی در دهه دوم بعد از انقلاب، آمار زندانیان به حدود دو برابر افزایش پیدا کرده است.^۴ آمار زندانیان و جرائم که باعث زندانی شدن آنها شده به ما نشان می‌دهد که در چه ابعادی بیشتر باید به بحث آسیب‌های اجتماعی بپردازیم. ۴۷/۶۰ درصد زندانیان به خاطر مواد مخدر؛ ۱۹/۳۲ درصد زندانیان به دلیل سرقت و ۱۷۷۷ درصد زندانیان مربوط به جرائم علیه اموال است. بنابراین، جرائم مربوط به مواد مخدر و مسائل اقتصادی ۸۰٪ زندانیان ما را تشکیل می‌دهند. این آمار به روشنی به ما نشان می‌دهد که وضع جامعه ما چگونه است و در چه زوایایی بیشتر آسیب پذیر هستیم. دلیل روی آوردن جوانان به مواد مخدر عمدتاً بیکاری، افسردگی، طرد از خانواده، عدم برنامه‌ریزی

1. WWW. Iranprisons. org.

۲. کشور روسیه بالاترین نرخ زندانیان را به نسبت جمعیت دارد (از هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت ۶۸۵ نفر) و کشورهای آمریکا (۶۴۵)، بلاروس (۴۹۵) و قزاقستان (۴۶۵) به ترتیب دارای بیشترین زندانی نسبت به جمعیت می‌باشند.

کشور اندونزی پایین‌ترین نرخ زندانیان را نسبت به جمعیت دارد (از هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت ۲۰ زندانی) و سپس کشورهای هندوستان (۲۵)، کامبوج (۲۵)، آلبانی (۳۰) و بوسنی و هرزگوین (۳۰) به ترتیب دارای کمترین زندانی نسبت به جمعیت را دارند.

(www.google.com) population + world+ prison

3. WWW. Iranprisons. org.

۴. همان مدرک، گزارشهای سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰.

برای اوقات فراغت، یأس نسبت به آینده و امثال اینها است. البته دستهای خارجی و توطئه آنان نیز در این بحث، مطرح است که اشاره خواهیم کرد.

این آمار نسبت سواد را با جرم برای ما آشکار می سازد. ترکیب زندانیان به ما نشان می دهد که عمده زندانیان ما یا بی سوادند و یا تحصیلات آنان زیر دیپلم است. همچنین ۷۰٪ زندانیان کشور ۲۰ تا ۴۰ ساله هستند، که رابطه سنی را با جرائم نشان می دهد که متأسفانه ناهنجاری های اجتماعی بیشتر در میان نسل جوان ما زمینه دارند. از نظر تأهل و مجرد، ۷۲٪ از زندانیان مواد مخدر متأهل هستند. در موضوع سرقت ۵۰٪ زندانیان مجرد و ۴۷٪ متأهل هستند. در مسائل مربوط به خلاف عفت عمومی تقریباً مجرد و متأهل نسبت مساوی را دارند، یعنی ۴۷٪ متأهل و ۴۸٪ مجرد هستند. این آمار نشان می دهد که مسئله عفت عمومی تنها با بحث تأهل قابل حل نیست.^۵

نتیجه یک نظر سنجی

در کنار این آمار، اگر به نتایج یک نظر سنجی نگاه کنیم، وضعیت احساس مردم کشورمان نسبت به بحث امنیت اجتماعی و هنجارهای اجتماعی، بیشتر برای ما روشن می شود. چون از دیدگاه علوم اجتماعی و روانشناسی اجتماعی در یک جامعه مطلوب، مردم باید احساس آسایش، رفاه و رضایت نمایند. احساس امنیت غیر از امنیت است. احساس مردم، خیلی حائز اهمیت است.^۶ گاهی احساس نسبت به مسائل اجتماعی از واقعیت آنان، مهمتر است. یعنی ممکن است امنیت در جامعه باشد ولی مردم احساس امنیت نداشته باشند، آن وقت همین احساس، خود عاملی برای بی ثباتی و عدم آرامش جامعه خواهد بود. احساس امید برای آینده، عدالت، دوستی و همبستگی در جامعه، عزت و احترام، اعتماد و تعین اجتماعی، همه اینها جزو عواملی هستند که نشان می دهند جامعه در حال تعادل مطلوب است یا خیر.

این نظر سنجی در اواخر سال ۱۳۷۹ انجام شده که وزارت ارشاد آن را در سال ۱۳۸۰ منتشر کرده است. در این نظر سنجی می توانید احساس مردم را نسبت به موارد مهم هنجارهای اجتماعی ملاحظه کنید.^۷ مثلاً از مردم راجع به صداقت و یا انصاف سؤال شده است که آیا در جامعه احساس صداقت و راستگویی و یا انصاف می کنند یا نه؟ پاسخ مردم در این موارد بسیار

۵. همان مدرک.

6. Peter Abell, "Sociological Theory and Rational Choice Theory in **Social Theory**", edited by Bryan Turner, New York: Blackwell, 1998, pp. 252-277.

۷. یافته های پیمایش در ۲۸ استان کشور «ارزش ها و نگرش های ایرانیان» جلد اول، ویرایش اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دفتر طرح های ملی پاییز ۱۳۸۰.

جالب است. این آمار مربوط به ۲۸ استان کشور است. آنچه که در اینجا مطرح می‌کنم جمع‌بندی و میانگین نظر سنجی استانهای مختلف کشور است. چون آمار در هر یک از استانها متفاوت و مختلف است.

یکی از موضوعات مورد سؤال، «صداقت» بوده، از مردم سؤال کرده‌اند که آیا در جامعه احساس صداقت می‌کنند و یا نه؟ ۵۰٪ پاسخ دهندگان جواب منفی داده‌اند و گفته‌اند صداقت در جامعه وجود ندارد و یا خیلی کم است. این مسئله بسیار مهم است. که ۵۰٪ افرادی که در این نظر سنجی مورد سؤال قرار گرفته‌اند، پاسخ داده‌اند در جامعه ما صداقت نیست و یا خیلی کم است. ۳۱٪ گفته‌اند که صداقت و راستگویی در جامعه ما در حد متوسط است و فقط ۱۷٪ مردم گفته‌اند نسبت به موضوع صداقت و راستگویی، وضع جامعه ما مطلوب است.^۸

در موضوع انصاف، در این نظر سنجی می‌بینیم که ۵۳٪ مردم پاسخ داده‌اند در جامعه ما انصاف اصلاً وجود ندارد و یا بسیار کم است. ملاحظه می‌کنید اگر اکثر مردم جامعه معتقد به انصاف نباشند، چه تأثیرات مخربی را در رفتار و عکس‌العمل آنها بوجود خواهد آورد. ۲۹٪ پاسخ داده‌اند انصاف در حد متوسط وجود دارد و فقط ۱۶٪ گفته‌اند که مردم جامعه ما منصف هستند. احساس مردم خیلی مهم است. ما باید بدانیم که مردم کشورمان دارای چه نوع احساس و قضاوتی هستند.^۹

راجع به موضوع امانتداری، ۳۸٪ پاسخ دهندگان اظهار نموده‌اند که در جامعه ما امانتداری نیست و یا بسیار کم است، ۳۵٪ پاسخ داده‌اند که در حد متوسط است و فقط ۲۶٪ مردم پاسخ داده‌اند که مردم ما امانتدار هستند. واقعاً جای تأسف است، اگر مردم ما، افراد جامعه خودشان را امانتدار ندانند و احساس خیانت از طرف دیگران نمایند، بی‌تردید همواره زندگی آنها با

۸. صداقت

اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً
۷/۲	۱۷/۱	۲۶/۴	۳۱/۳	۱۲/۴	۳/۸	۱/۹

همان مدرک ص ۴۶.
نگاه کنید به ص ۵۲.

۹. انصاف

اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً
۱۱/۳	۱۶/۹	۲۵/۵	۲۹/۶	۱۱/۹	۳/۲	۱/۵

همان مدرک ص ۴۴.
نگاه کنید به ص ۵۱.

اضطراب و نگرانی توأم خواهد بود.^{۱۰}

در موضوع «گذشت»، ۴۷٪ پاسخ دهندگان گفته‌اند، در جامعه ما گذشت نیست و یا خیلی کم است، ۲۹٪ گفته‌اند که در حد متوسط شاهد گذشت هستند و فقط ۲۲٪ گفته‌اند که در جامعه ما «گذشت» وجود دارد.^{۱۱} بنابراین، احساس جامعه این است که آستانه تحمل‌پذیری مردم بسیار پایین است و مردم آماده عکس‌العمل‌های تند و شدید هستند و معمولاً اهل عفو و گذشت نیستند و کمتر بزرگواری در مردم مشاهده می‌شود.

در بحث «خیرخواهی و کمک»، ۳۶٪ پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که حس کمک و نوع دوستی بسیار کم است، ۳۴٪ گفته‌اند در حد متوسط است و فقط ۲۲٪ گفته‌اند که شاهد خیرخواهی و کمک مردم در حد مطلوب هستند. مردم ایران که از لحاظ فرهنگی همواره نوع دوست و اهل احسان و کمک و دستگیری افراد گرفتار و نیازمند بوده‌اند، متأسفانه در شرایط فعلی اکثریت مردم چنین احساسی را در جامعه ندارند.^{۱۲}

در زمینه «پابندی به قول و قرار» در جامعه، فقط ۲۹٪ گفته‌اند پابندی مردم به قول و قرار خودشان مطلوب و خوب است، ۴۲٪ گفته‌اند وضع ما بسیار بد است و ۳۷٪ نیز گفته‌اند که وضع ما متوسط است.^{۱۳}

۱۰. امانتداری

اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً
۵/۲	۱۱/۹	۲۱/۷	۳۵/۲	۱۸/۶	۵/۱	۲/۳

همان مدرک ص ۴۳.
نگاه کنید به ص ۵۱.

۱۱. گذشت

اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً
۶/۱	۱۵/۶	۲۵/۸	۲۹/۵	۱۶/۷	۴/۹	۱/۳

همان مدرک ص ۴۲.
نگاه کنید به ص ۵۱.

۱۲. خیرخواهی و کمک

اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً
۴/۵	۱۱/۱	۱۸/۷	۳۴/۸	۲۱/۵	۷/۲	۲/۱

همان مدرک ص ۴۵.
نگاه کنید به ص ۵۲.

۱۳. پابندی به قول و قرار

اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً
۵	۱۳	۲۴/۱	۳۷/۲	۱۴/۵	۴/۲	۲

همان مدرک ص ۴۷.
نگاه کنید به ص ۵۲.

نسبت به صفات منفی، نتایج نظر سنجی معکوس است و اکثریت مردم احساس می کنند که متأسفانه این صفات به فراوانی در جامعه وجود دارند. مثلاً نسبت به موضوع دورویی و تظاهر ۶۴٪ مردم پاسخ داده اند در جامعه ما نفاق و دورویی خیلی زیاد است، فقط ۲۰٪ مردم گفته اند تظاهر و نفاق کم است و ۱۴٪ پاسخ دهندگان آنرا در حد متوسط ارزیابی کرده اند. وقتی اکثریت مردم به سخنان و رفتار مردم جامعه اعتماد ندارند و آنرا توأم با نفاق و دورویی می دانند، پیداست نحوه رفتار مردم چگونه تنظیم می شود.^{۱۴}

نسبت به موضوع «تملق و چاپلوسی»، ۶۵٪ مردم گفته اند چاپلوسی در جامعه خیلی زیاد است و فقط ۱۷٪ پاسخ دهندگان گفته اند تملق کم است و ۱۷٪ نیز گفته اند در حد متوسط است.^{۱۵} نسبت به موضوع کلاهبرداری ۷۰٪ پاسخ دهندگان گفته اند کلاهبرداری زیاد است و فقط ۱۷٪ مردم گفته اند کم است و ۱۳٪ نیز گفته اند در حد متوسط است.^{۱۶} اگر ۷۰٪ مردم، افراد جامعه خودشان را دزد و کلاهبردار می دانند پیداست در این جامعه، اعتماد و دوستی و صمیمیت وجود نخواهد داشت و همه در اطراف خودشان احساس می کنند که با افراد کلاهبردار و دزد مواجه هستند.

با توضیح این بخش از این نظر سنجی، خواستم نسبت به وضع روحی جامعه ما تصویر بهتری داشته باشیم. ممکن است احساس مردم با واقعیت جامعه دقیقاً منطبق باشد و یا نباشد، آن بحث دیگری است. خود احساس مردم، خیلی مهم است. اینکه مردم احساس کنند در

۱۴. دورویی و تظاهر

اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً
۳	۵/۱	۱۲/۷	۱۴/۳	۳۲/۴	۲۶/۱	۶/۳

همان مدرک ص ۴۸.
نگاه کنید به ص ۵۲.

۱۵. تملق و چاپلوسی

اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً
۴	۴/۲	۹/۸	۱۷/۳	۳۱/۱	۲۴/۴	۹/۱

همان مدرک ص ۵۰.
نگاه کنید به ص ۵۳.

۱۶. تقلب و کلاهبرداری

اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً
۴/۴	۴/۲	۹/۳	۱۳/۱	۲۹/۸	۲۹/۱	۱۰/۱

همان مدرک ص ۴۹.
نگاه کنید به ص ۵۳.

جامعه ما صداقت، راستگویی، گذشت و عدالت هست و یا نه؟ و یا احساس کنند در جامعه ما توجه به امانت داری و قول و قرار وجود دارد و یا نه بسیار حائز اهمیت است.

عناوین مهم آسیب‌های اجتماعی

تعداد عناوین آسیب‌های اجتماعی بسیار زیاد است. بحث صدها عنوان است، حتی بعضی از محققان می‌گویند حدود ۱۶۰۰ عنوان جرم در قوانین و مقررات کشور ما وجود دارد. در اینجا به برخی از عناوین مهم آسیب‌های اجتماعی اشاره می‌کنم، تا وسعت این بحث برای ما روشن شود:

- ۱- آسیب‌های خانوادگی مثل اختلافات خانوادگی، طلاق و کودکان فراری و خیابانی؛
- ۲- نرخ ناهنجاریهای خطرناک مثل قتل، سرقت، سرقت مسلحانه، تجاوز و امثال اینها؛
- ۳- منازعات و تضادهای اجتماعی اعم از منازعات و اختلافات قومی یا منازعات و تضادهای منطقه‌ای؛
- ۴- تمایل به مهاجرت، میزان مهاجرت و مهاجرت‌های غیر قانونی؛
- ۵- کاهش احساس سعادت و خوشبختی در جامعه؛
- ۶- عدم امید به آینده و تاریک بودن افق آینده زندگی؛
- ۷- نگرانی‌های اجتماعی، عدم رضامندی و عدم آرامش اجتماعی؛
- ۸- عدم اطمینان از ثبات منزلت و موقعیت اجتماعی؛
- ۹- سطح میزان عواطف متقابل مردم به یکدیگر؛
- ۱۰- سطح اعتقاد و اعتماد به یکدیگر؛
- ۱۱- سطح همبستگی اجتماعی؛
- ۱۲- تعداد گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی؛
- ۱۳- تعداد سلاجهای گرم موجود در جامعه؛
- ۱۴- تعداد اراذل و اوباش و افراد شرور در جامعه؛
- ۱۵- تعداد باندهای خلافکار؛
- ۱۶- میزان پایبندی مردم به قانون؛
- ۱۷- نقش نهادهای هنجار ساز: از قبیل خانواده، مدرسه، صدا و سیما و مراجع سنتی مردم؛
- ۱۸- نرخ بیکاری؛
- ۱۹- تعداد زندانیان و مراجعه کنندگان به مراکز انتظامی و قضایی؛
- ۲۰- اوقات فراغت جوانان؛

- ۲۱- میزان تحصیلات افراد؛
- ۲۲- سرعت برخورد انتظامی و اطلاعاتی و جایگاه آنها در جامعه؛
- ۲۳- سن ازدواج؛
- ۲۴- میزان آموزش مردم در خصوص مسائل اجتماعی؛
- ۲۵- میزان همکاری مردم با پلیس؛
- ۲۶- میزان استانداردهای حفاظتی و فرهنگی در مجتمع‌های مسکونی، اداری و عمومی؛
- ۲۷- میزان امر به معروف و نهی از منکر و نحوه اجرای آنها؛
- ۲۸- میزان مصرف مواد مخدر؛
- ۲۹- میزان مشارکت اجتماعی در صحنه سیاسی و اجتماعی؛
- ۳۰- اعتراضها و جنبشهای اجتماعی؛
- ۳۱- بحران هویت در میان جوانان؛
- ۳۲- اختلال هنجاری: برهم خوردن نظم هنجاری و یا شکسته شدن هنجارها؛
- ۳۳- انشعاب گفتمان مذهبی و پیدایش قرائتهای جدید؛
- ۳۴- بحران افناع سازی در افکار عمومی؛
- ۳۵- بوجود آمدن افراطی گری و پرخاشگری گروههای اجتماعی؛
- ۳۶- تعمیق شکافهای اجتماعی و شکافهای اجتماعی متراکم؛
- ۳۷- گسست ارزشی و ناهماهنگی ارزشی در محیط‌های مختلف اجتماعی؛
- ۳۸- تعارض نسلها (نسل انقلاب و نسلهای بعد از انقلاب)؛
- ۳۹- فاصله آرمانها و واقعتهای جامعه؛
- ۴۰- نحوه رویکرد با تحولات جهانی و تکنولوژی ارتباطات.

مهمترین عناوین آسیب‌ها در مقطع فعلی

در میان عناوین مختلف آسیب‌های اجتماعی که به برخی از آنها اشاره شد، چهار عنوان در شرایط فعلی جامعه ما بسیار اهمیت دارد که عامل اصلی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. اول، تضعیف باورهای اعتقادی، که متأسفانه هم روشنفکران غرب زده و مرعوب و هم متحجرین از دو طرف، روز به روز بر تضعیف این باورها کمک می‌کنند. دوم، بحران هویت، که به تدریج نسل جوان ما از هویت ایرانی - اسلامی خود فاصله می‌گیرند. سوم، مسئله اعتیاد، که متأسفانه علیرغم همه تلاشهای نظام، روز به روز این فاجعه رو به

افزایش است و بخش قابل ملاحظه‌ای از جوانان ما را مبتلا کرده است. چهارم، مسئله فساد و ابتذال فرهنگی است.

در این جا، لازم می‌دانم به آسیب‌هایی که در سالهای اخیر بیشتر با آن مواجه شده‌ایم اشاره کنم سپس به عوامل و راهکارها برسیم. این آسیب‌ها شاید در سالهای اولیه انقلاب کمتر با آنها مواجه بودیم ولی در دهه سوم بعد از پیروزی انقلاب شاهد گسترش این نوع آسیب‌ها هستیم.

۱- اختلال هنجاری

اختلال هنجاری یکی از آسیب‌های جدی جامعه‌ای است که دگرگونیهای وسیع و شتابان را تجربه می‌کند. به عبارت دیگر از مسائل و آسیب‌پذیریهای جامعه در حال گذار، بر هم خوردن نظم هنجاری و شکسته شدن هنجارهای سنتی است. اختلال هنجاری می‌تواند به صورت قطبی شدن هنجاری؛ تضاد هنجاری؛ ضعف هنجاری و یا عدم علاقه نسبت به قواعد اجتماعی باشد.

در شرایط امروز کشورمان، انواع اختلالات هنجاری قابل درک و لمس است. در این میان قطبی شدن هنجارها مهمترین آسیبی است که وجود دارد. قطبی شدن هنجارها به انشقاقهای اجتماعی دامن زده و موجبات به وجود آمدن گروههای اجتماعی متضاد و متخاصم را فراهم آورده است. قطب روشنفکر و متحجر، پایین شهری و بالا شهری، حزب الهی و بی‌بند و بار، فقیر و غنی، نسل جوان متجدد و نسل میان سال سنتی، نمونه‌هایی از این قطب بندیها است. این قطبی شدن، جامعه ما را به شقوق مختلف و متضاد تبدیل کرده به نحوی که هر یک از این شقوق با دیگری، بیگانه و حتی سر جنگ و ستیز با هم دارند.^{۱۷} متأسفانه جامعه امروز ما از شکسته شدن وحدت هنجاری بویژه در کلان شهرها دچار رنج است و از این رو همدلی و هم‌نوایی و انسجام ملی کشور می‌تواند با خطرات جدی روبرو شود.

۲- کثرت‌گرایی دینی

انشعاب و جدایی از گفتمان مذهبی غالب و مسلط و پیدایش نحله‌های جدید فکر دینی در بستر دگرگونیهای اجتماعی، محصول شرایط نوین است. کثرت‌گرایی دینی و معرفت‌شناختی ناشی از ضعف تولید افکار دینی متناسب با شرایط زمان از طرف حوزه‌های علمیه و روحانیت و نارضایتی از تفسیر و قرائت سنتی از دین است. تغییرات اجتماعی موجب پیدایش و نشو و نمای

تفکرات جدید دینی شده که برداشتهای جدیدی را از دین ارائه می دهند. متأسفانه دین در قرائتهای جدید به طور عمده، فردگرایانه، غیر سیاسی و معنویت گرا است. یعنی درست نقطه مقابل پایه های فکر دینی که از سال ۱۳۴۱ تبیین شده بود و اساس ایدئولوژی نهضت و انقلاب اسلامی را تشکیل می داد که آن، عدم جدایی دین از سیاست بود، امروز با هجمه وسیع موج روشنفکری جدید مواجه شده است. گرچه ظاهر بحث قرائتهای مختلف جدید، لزوم کثرت گرایی در فهم دینی است اما نتیجه ای که عاید ما خواهد نمود، دین فردی و اسلام غیرحکومتی است.

بررسی ظهور تفکرات جدید دینی و گرویدن به باور داشتهای غیر سنتی و پدیدار شدن سنتهای نوین حائز اهمیت است. همچنان که نتایج و اثرات اجتماعی این گرایشات نو و قرائتهای جدید نیز قابل تأمل است. اگرچه باورهای جدید عمدتاً گذرا، غیر عمیق، شعاری و بعضاً دنباله رو نحله های فکری رایج در غرب است و بی تردید پایدار نخواهند ماند.

تجربه حکومت دینی در دو دهه گذشته، رشد عقلانیت، هجمه واردات فکری جهان غرب، روند توسعه، کثرت گرایی و جهانی شدن از اهم عللی است که موجبات شکسته شدن برداشتهای سنتی از دین شده است. در کنار شک و تردیدهایی که ذهن جوانان ما را فراگرفته است، برای برون رفت از بن بستهای اندیشه ای و معرفتی عملاً به قرائتهای جدید و چشم اندازهای نو روی خواهند آورد. در این چشم اندازها دین رابطه خود را با پیرامونش مورد بازنگری قرار می دهد، متأسفانه دین غیر سیاسی و غیر حکومتی و برداشتهای فردگرایانه را می توان از مهمترین نتایج تغییرات جدید دانست. بر این اساس، فقه حکومتی و حکومت دینی هر دو با مشکلات و معضلات جدیدی روبرو خواهند شد.

۳- ناتوانی در اقناع سازی

بحران اقناع سازی افکار عمومی به مفهوم، عدم اعتماد کافی مردم به توجیحات و توضیحات نظام سیاسی درباره مسائل، حوادث و رویدادها و عدم اعتماد مردم به نظام اطلاع رسانی دولت می باشد. اگر حکومتها برای عملکرد خود توجیحات قابل قبولی ارائه نمایند و یا با عدم پذیرش مردم روبرو شوند، آنگاه در چالشی بزرگ با افکار عمومی قرار می گیرند به نحوی که ذکر هرگونه دلیل و اقامه هر نوع استدلال و برهان ممکن است چون هیزمی، آتش بی اعتمادی را شعله ورتر کند. سیستم ضعیف اطلاع رسانی و عدم پاسخ گویی صحیح و به موقع به مردم، نظام را با بحران اقناع سازی روبرو می سازد. اطلاع رسانی قطره ای، دیر هنگام و یا متناقض که به

مسائل جناحی و گروهی هم آلوده شده باشد نظام را با مشکل مشروعیت روبرو خواهد کرد. از این رو نسبت میان مشروعیت و میزان توانایی نظام در اقناع سازی افکار عمومی نسبتی مستقیم است و لذا مسئله اقناع سازی دارای اهمیت زیادی است.

از پیامدهای عدم اقناع سازی، دست کم روی آوردن مردم به پیامها و امواج رادیوهای بیگانه می باشد که در نتیجه به بحران هویت منجر خواهد شد و به لحاظ روان شناختی، محیط را آماده پذیرش هرگونه شایعه می نماید. از سویی قانع نشدن مردم در برابر توضیحات، نشانی از بی اعتمادی و در واقع پایین بودن مشروعیت سیاسی محسوب می شود. به عبارت دیگر، یکی از علایم بی اعتمادی، میزان مقاومت افکار عمومی در برابر توجیهات نظام است. از این رو بین اعتماد و مقاومت مردم برای عدم پذیرش، رابطه ای معکوس وجود دارد.^{۱۸}

۴- رادیکالیزه شدن بخشی از گروههای آرمانگرا

پافشاری بر آرمانگرایی از سوی دو طبقه افراطی از گروههای سیاسی، آنها را در تعارض با وضع اجتماعی موجود می کشاند. افرادی که وضعیت اجتماعی و فرهنگی موجود رانمی توانند تحمل کنند لاجرم به سمت افراط گرایی کشیده می شوند، به نحوی که برای اصلاح جامعه جز پرخاشگری و برخورد قهرآمیز راهی رانمی یابند.^{۱۹} خلق انتظارات بالا و تصویر منفی و منحط و عقب مانده از روند جامعه، مرز تخاصم و تعارض را پررنگ می کند و راه هر گونه آشتی را می بندد. رفتارهای تند خارج از ضوابط قانونی، نظم اجتماعی را با خطر جدی روبرو می کند. ایجاد فاصله بین گروههای افراطی با سایر طبقات اجتماعی زاینده انواع آسیب هایی است که نه تنها پیام آور هرج و مرج و خشونت است که موجبات افسردگی، پرخاشگری و تند خوئی رانیز فراهم می آورد. بدبینی و برداشتهای منفی از جامعه، آنان را به جزیره های مستقل و تنها کشانده و در نهایت انزوا و بیگانگی اجتماعی آنان را افزایش می دهد.^{۲۰}

بدبینی و انزوای اجتماعی به تعارض میان نیروهای افراطی با گروههای معتدل و حتی به تعارض با نظام سیاسی منتهی شده و لذا کشمکشها و ستیزه های پیدا و پنهان آغاز می گردد.

18. William Gamson, "Media Discourse as a Framing Resource," in *The Psychology*.

۱۹. نگاه کنید به:

Political Communication edited by Ann Crigler. Aun Arbor: Chicago University Press, 1998, pp. 111-132.

۲۰. نگاه کنید به:

Snador Halbesky, *Mass Society and Political Conflict*, Cambridge: Cambridge University press, 1676, pp. 123-132.

گروهی که بدبینی مفرط و عمیق نسبت به پروسه توسعه و نوسازی و اصلاحات دارند معتقدند دارای رسالتی تاریخی هستند تا در برابر کژرویهها و انحرافها (انحراف طبق تعریف خودشان) ایستادگی کنند و به عکس، گروههایی که مدینه فاضله خود را لیبرال دموکراسی غرب می دانند و هرگونه محدودیت در چارچوب سنتهای دینی و اجتماعی را بر نمی تابند،^{۲۱} در نهایت تند خویی و پرخاشگری علیه نظام و ساختار موجود را از وظایف خود می دانند و بدین ترتیب نظم اجتماعی از طرف هر دو گروه افراطی مورد تهدید قرار می گیرد.

۵- رشد گرایشهای منفعلانه

گروهی از نیروهای انقلابی به دلیل تناقضات حل نشده و طرح مسائل غامض و پیچیده در حوزه اندیشه و عمل، احساس فاصله بین آرمانها و واقعیتهای جامعه نموده و سرخورده و منزوی می شوند. تجربه تلخ و رویارویی در برابر واقعیتهای، ممکن است تردید و شک را در میان آنان نسبت به بعضی آرمانها دامن بزند و نسبت به افرادی که در اعتقادات خود مستحکم تر و ثابت ترند، فرار به درون و دوری جستن از جامعه،^{۲۲} از پیامدهای این بن بستها خواهد بود.

تقویت آرمانگراییهای دست نیافتنی، فزونی یافتن عاطفه و احساس بر عنصر عقلانیت و واقع بینی، چیزی جز فاصله بیشتر نیروهای انقلابی افراطی با جامعه را به همراه ندارد. در حالی که وحدت ملی و وفاق نیروهای اجتماعی-سیاسی در گرو تقویت تعادل است. جدایی و انشقاق گروهها و نیروها تحت عنوانهای مختلف، جامعه را با گسست و شکافهای پی در پی و مخرب روبرو می کند. بالاخص آنگاه که فرهنگ تحمل و اغماض پایین باشد، خشونت و نابردباری فزونی می گیرد و در نتیجه نظم اجتماعی و آرامش و امنیت نیز مخدوش می گردد و کناره گیری بخشی از نیروهای انقلاب از متن جامعه و گریز از مشارکت، فرایند توسعه سیاسی را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد.

۶- تعمیق شکافهای اجتماعی

در همه جوامع شکافهای متعدد اجتماعی وجود دارد، شکافهایی که به حکم وضع اجتماعی، جنسیت، تبار، زبان، قومیت و امثال اینها به وجود می آیند. در جوامع توسعه یافته و مدرن،

^{۲۱}. نگاه کنید به:

Marvin Zonis, *The Political Elite in Iran*, Princeton: Princeton Press, 1971, p. 51.

^{۲۲}. نگاه کنید به: طباطبایی، سید جواد، تأملاتی در رویارویی فرهنگ ایران و غرب، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، دی ماه ۱۳۷۲، ص ۳۲.

شکافهای سنتی اغلب جای خود را به شکافهای جدید ناشی از تحول نظام اداری، سیاسی و اقتصادی می دهند. گاهی شکافهای اجتماعی یکدیگر را تقویت کرده و بر روی یکدیگر انباشته می شوند. در این حالت شکافهای اجتماعی متراکم، جامعه را به قطبهای متضاد با پتانسیل کشمکش و برخورد اجتماعی تبدیل می کنند. متأسفانه در شرایط فعلی، جامعه ما با شکافهای متعدد اجتماعی از جمله شکافهای دینی، قومی، فرهنگی، نسلی و غیره روبرو است. در پاره ای موارد، این گسستها بر هم انباشته شده و تهدیدی جدی برای همبستگی سیاسی، نظم اجتماعی و حتی یکپارچگی سیاسی فراهم می آورد. از پیروزی انقلاب تاکنون، شکاف مذهبی شدت بیشتری یافته و مردم را حول شعارهای جدیدی تقسیم نموده است. رویارویی هر یک از این قطبهای مختلف می تواند تهدیدی برای وحدت ملی تلقی گردد.

از لحاظ تاریخی و به طور سنتی همواره شکافهایی در جامعه ما وجود داشته است: بحث اختلافات طایفه ای، منطقه ای، بحث این شهر و آن شهر، نژادهای مختلف، اقوام مختلف، زبانهای گوناگون^{۲۳} و امثال اینها شکافهایی است که در جامعه ما از دیر باز مطرح بوده است، اما متأسفانه در شرایط فعلی با شکافهای فرهنگی و با شکافهای نسلی، سیاسی، حزبی و امثال اینها تراکم یافته است. وقتی که این شکافها روی هم قرار می گیرند، وضعیت خطرناکی پدید می آید و باعث می شوند که جامعه به سمت نوعی گسست و یا گسل کشانده شود که می تواند برای ثبات اجتماعی و حتی نظام سیاسی خطرناک باشد.

۷- بی اعتمادی

اعتماد به مثابه سرمایه اجتماعی بسیار اساسی بوده و پایه نظام سیاسی و ساختار اجتماعی را تشکیل می دهد. اعتماد، جوهره و اساس روابط اجتماعی است و در مقابل، بی اعتمادی، انسجام و همبستگی اجتماعی را با مخاطرات و پیامدهای منفی روبرو می کند. حوزه اعتماد در جوامع سنتی معمولاً در حد خانواده و یا اقوام گسترش می یافت، در حالی که در جامعه امروزی باید اعتماد تا سطح کل جامعه، نهادها و سازمانها تعمیم یابد. همیاری، همکاری و مشارکت اجتماعی و سیاسی نیز مشروط به گستره اعتماد است.

در شرایط فعلی، جامعه ما بنا به داده های تحقیقات میدانی، به دلیل کاهش اعتماد مردم، با آسیبهای جدی روبرو است. از رهگذر بی اعتمادی بوجود آمده، اهداف و ارزشهای ملی و

23. Anthony Richmond, "Ethnic Nationalism: Social Science Paradigms," International Social Science Journal 39. No.1, 1987.

همبستگی اجتماعی با تنشها و کشمکشهای فراوانی روبه رو شده است. در این شرایط، همدلی کاهش می‌یابد و منافع فردی، خانوادگی و یا بانندی بر مصالح عمومی و منافع ملی ترجیح داده می‌شود. بی‌اعتمادی از سه بعد حائز اهمیت است: بی‌اعتمادی مردم نسبت به نظام سیاسی، بی‌اعتمادی نظام سیاسی نسبت به مردم و بی‌اعتمادی مردم نسبت به یکدیگر؛ که هر یک از این وجوه بی‌اعتمادی، تأثیرات مخربی بر ساختار سیاسی و تعاملات اجتماعی می‌گذارد.

۸- گسست ارزشی

فضاهای مختلف زندگی از قبیل فضای خانوادگی، مدرسه و محیط کار باید دارای هماهنگی، نظم و تعادل باشد. ناهماهنگی ارزشی و یا گسست ارزشی بین فضاهای زندگی، مردم را از تعادل و هماهنگی بیرون می‌آورد.^{۲۴} هویت‌های چندگانه و داشتن چهره‌های متضاد و بر عهده گرفتن نقشهای متناقض از سوی افراد در محیط‌های متفاوت، بار سنگینی را بر دوش او می‌نهد و به صورت بازیگری می‌ماند که در یک لحظه در چند نقش متضاد بازی می‌کند. افسردگی، اضطراب، دلواپسی و نگرانی و دیگر آسیبهای روانی از یک سو و پیامدهای اجتماعی مانند فریب کاری و دوچهره‌گی، پایه‌های اجتماعی جامعه را سست و لرزان می‌نماید. در این میان، وضع کودکان و نوجوانان سخت‌تر و حساس‌تر است؛ چرا که کودک باید بیاموزد که در هر محیط چه کنشهای قابل قبولی را ارائه دهد و چگونه خود را با این تفاوتها منطبق سازد.

متأسفانه ارزشهای مختلف در فضای جامعه ما آنچنان از هم فاصله گرفته که گاهی در جامعه، شاهد رفتارهای متناقض هستیم. افراد در یک جمع، یک نوع رفتار و در جمع دیگر، رفتاری کاملاً متضاد دارند. در اداره، یک نوع رفتار، در مسجد رفتار دیگر و در پارک رفتار سومی را دارند. در واقع رفتارهای متناقض، نشانه اضطراب و دلواپسی مردم است که منجر به نفاق و ریاکاری و فریبکاری می‌شود. در این شرایط وضع نوجوانان و جوانان کاملاً روشن است که نظاره گر این همه رفتارهای متفاوت و منافقانه هستند؛ بی‌تردید نتیجه آن، دو چهرگی و چند چهرگی در جامعه است که بسیار خطرناک خواهد بود.

گسست ارزشی، توان، ظرفیت و قابلیت‌ها را در هم می‌شکند و زندگی را برای افراد سخت می‌گرداند. زیرا تضاد ارزشی، «ظاهر سازی» و چند چهره بودن را بر افراد تحمیل می‌کند و انسانها مجبورند چهره‌ای از خود نشان دهند که واقعاً آن نیستند. «تضاد ارزشها» در واقع یک

24. Steven Conner, "Post - modernism: Negation of Meta-narratives", in **Blackwell Companion to the Cultural Theory**, Oxford, Packwell, 1997, pp. 425-432.

مرحله از فرایند تغییر ارزشها است. در صورت تداوم جدال نظامهای ارزشی، بین نیروهای اجتماعی، پیکار و ستیز در خواهد گرفت و در نتیجه انسجام و همبستگی اجتماعی و یکپارچگی فرهنگی و ارزشی با خطر روبرو خواهد گردید.

۹- تعارض نسلها

شکاف بین نسلها و تعارض آن، محصول فرایند تغییرات وسیع و فزاینده‌ای است که تمامی عرصه‌های فردی و اجتماعی را در هم نوردیده و حاصل تغییر و تحول در خانواده و نوگرایی، تنازع بین سنت و تجدد و پروسه تکثر و حضور ارزشهای متعدد متفاوت و متعارض است. هر چه روند دگرگونیهای اجتماعی گسترده‌تر شود شکاف بین نسلی نیز افزایش می‌یابد. بر هم خوردن نظم سنتی، سست شدن وفاق ارزشی و کاهش همبستگی از پیامدهای این پدیده است. علاوه بر جریان دگرگونی و تحولات اجتماعی که جدایی و تعارض ارزشی نسلها را دامن می‌زند، شاهد دست کم دو تجربه متفاوت نسلی با ارزشها و هنجارهای متفاوت هستیم، دو تجربه‌ای که دو گونه هویت فرهنگی و گفتمان را آفریده است. هر یک از این گفتمانها دارای ویژگی‌های متفاوت است و شناخت دقیقی این گفتمانها بسیار اهمیت دارد. ۲۵ تعارض میان نسل انقلاب و نسل بعد از انقلاب به خوبی مشهود است. ما اکنون نیازمند گفتمان سامان بخشی هستیم که گسست نسلی را کاهش داده و بین دو نسل پیوندی ایجاد نماید.

در جامعه ما نسلی که در انقلاب بوده و قبل از پیروزی انقلاب در صحنه مبارزه فعال بوده، نسلی که در دفاع مقدس حضور داشته با نسلی که امروزه در صحنه حضور یافته است، فاصله زیادی دارند و یک ضرورت امروز، نزدیک کردن این دو نسل است. باید ببینیم چگونه افکار و آرمانها و اهدافشان را به هم نزدیک سازیم. نسل جدید ما با ارزشهای جدید و قرائتهای نو از زندگی، جهان و حتی از دین، فرهنگ و واقعتهای اجتماعی مواجه است. گفتگوی بین دو نسل (نسل اول و دوم) دیالوگ بین دنیای نسل اول و دنیای نسل دوم می‌تواند به کاهش گسست بین آنها کمک کند. تعارض نسلها، موجبات انقطاع فرهنگی را فراهم می‌آورد و در نتیجه پیوستگی و انسجام فرهنگی را با چالش جدی روبرو خواهد ساخت.

عوامل مهم آسیب اجتماعی

یکی از مباحث بسیار مهم در زمینه آسیب‌های اجتماعی، عوامل و دلایل مهم بوجود آمدن این

آسیبها است. عوامل این آسیبها بسیار زیاد هستند که فرصت بیان همه آنها نیست. من به ده عامل مهم و اصلی از عوامل آسیب ساز اشاره می‌کنم:

۱- تحولات و تغییرات اجتماعی در دو دهه اخیر بویژه مسئله نرخ رشد جمعیت؛
 ۲- ضعف نهادهای اقتصادی و وجود مشکلات فراوان اقتصادی بویژه مسئله بیکاری و تورم؛
 ۳- عدم وجود برنامه صحیح برای اوقات فراغت به ویژه برای نسل جوان که مشغول کار و یا تحصیل است؛ آیا برای پر کردن ساعات فراغت آنها پس از پایان ساعت کار و یا پایان کلاس درس، فکری شده است؟

۴- گذر از جامعه سنتی به مدرن و تأثیر مدرنیسم در هنجارهای اجتماعی به ویژه تکنولوژی ارتباطات؛

۵- بحران هویت در میان جوانان،^{۲۶} که متأسفانه در شرایط فعلی کم کم به این بحران نزدیک می‌شویم؛

۶- تضعیف باورهای اعتقادی به دلیل ضعف نهادهای دینی، فرهنگی و آموزشی کشور و تعارض نهادهای مسئول فرهنگی؛ متأسفانه گاهی شاهد آن هستیم که نهاد دینی طرحی دارد و نهاد فرهنگی درست نقطه مقابل آن که متأسفانه نتوانسته‌ایم بین این نهادها هماهنگی لازم را بوجود آوریم.

۷- عدم توافق حاکمان نسبت به اصل مفهوم آسیب، حد خطر این آسیبها و شیوه برخورد با آنها؛ متأسفانه ارگانهای مختلف نسبت به آسیب‌های اجتماعی و خطر آنها نظر واحدی ندارند. حتی بین مجلس، دولت و دستگاه قضایی هم نظر واحدی وجود ندارد. برخی از مسئولین آسیبها را خیلی خطرناک می‌دانند در حالی که برخی دیگر آنها را در حد خطر برای سلامت جامعه ارزیابی نمی‌کنند. همچنین در اینکه کدام آسیب مهم است نیز اختلاف نظر وجود دارد و نسبت به اولویت بندی آسیب‌ها نظر واحدی وجود ندارد. حتی نسبت به برخی از این آسیبها، بعضی‌ها معتقدند که نه تنها آنها آسیب نیستند بلکه موجب نشاط جامعه نیز می‌باشند. یعنی توافق مفهومی و نظری در بحث آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد.

۸- نداشتن برنامه برای فضای بعد از جنگ؛ نسل قبل ۸ سال در فضای دفاع مقدس بوده و برای مقطعی که این جنگ خاموش می‌شود، متأسفانه برنامه‌ای از قبل نداشته‌ایم و حتی بعد از جنگ نیز بلافاصله یک برنامه ریزی فوری انجام نگرفته تا این خلاء را از لحاظ فرهنگی پر کند.

۲۶. نگاه کنید به:

۹- کاهش اعتماد عمومی بین خود مردم و بین مردم و حکومت؛
۱۰- و توطئه‌های خارجی.

در میان این ده عامل مهم برای آسیب‌های اجتماعی، من نسبت به چهار عاملی که اهمیت بیشتری دارند توضیحاتی را ارائه می‌دهم:

۱- تحولات تکنولوژیکی به ویژه در زمینه ارتباطات؛ ۲- تحولات و تغییرات اجتماعی در دو دهه گذشته؛ ۳- توطئه‌های خارجی؛ ۴- و بالاخره معضل کارآمدی نظام.

تحولات تکنولوژیکی در زمینه صنعت الکترونیک

در سالهای اخیر (از ۱۹۸۰ به بعد) با پیشرفت علم و تکنولوژی، انقلاب وسیعی در عرصه صنعت الکترونیک بوقوع پیوست که در نتیجه این انقلاب تکنولوژیکی، چهره دنیا تغییر یافت. دانشمندان می‌گویند رشد تکنولوژی در ۳۰ سال آخر قرن بیستم به تنهایی بیش از ۳۰۰۰ سال قبل از آن بوده است. نتیجه این رشد، تولد رایانه، ارتباطات جدید، نرم افزار، ارتباطات ماهواره‌ای و... بود که اثرات اجتماعی این تغییرات کمتر از اثرات تکنولوژیکی آن نیست.^{۲۷} از اوایل دهه ۸۰ گروهی از نظریه پردازان مانند تافلر^{۲۸} سعی کردند قلبهای اجتماعی برای این تغییرات را در قالب نظریات دهکده جهانی، دنیای تک قطبی و موج سوم ارائه نمایند. آنچه مسلم است این که انقلاب تکنولوژیکی در تغییرات سیاسی، ژئوپولیتیک جهان نظیر فروپاشی شوروی و بلوک شرق، ایجاد اروپای واحد و... بی تأثیر نبوده و شاید بیشترین وزن را داشته است.

در سالهای آینده و اساساً در قرن ۲۱ شاهد اثرات سیاسی - اجتماعی رشد تکنولوژی خواهیم بود. ساز و کارهایی از قبیل تجارت الکترونیک (E-Commerce) دولت الکترونیکی (E-Government) و اساساً تمامی Eها مانند پزشکی، آموزشی و کار از راه دور، بدون شک اثرات بسیار زیادی در رفتارها و روابط اجتماعی - سیاسی ملتها و کشورها خواهد گذاشت.

در این میان مهمترین مسئله، تحول در مقوله ارتباطات مثل ماهواره و اینترنت است. اگر چه اولین ماهواره‌ها در دهه ۶۰ در مدار کره زمین قرار گرفت ولی تا سالهای دهه ۸۰ از ماهواره استفاده عمومی نمی‌شد. دلیل این امر مشکلات تکنولوژیکی و گرانی بیش از حد این

۲۷. نگاه کنید به:

Karl Deutsch, "Social Mobitization and Political Development"; American Political Review, 1961, pp. 493-497.
28. Alvin Toffler

تجهیزات بود.

در سالهای اخیر ضمن ارزان شدن تجهیزات مورد نیاز، ظرفیت ماهواره‌ها نیز افزایش یافته است. مثلاً ماهواره‌های قدیمی حداکثر ۴ ترانسپوندر حمل می‌کردند در حالی که ماهواره‌های جدید قادرند تا ۱۲۰ ترانسپوندر حمل کنند. همچنین با استفاده از تکنولوژی فشرده سازی، حجم اطلاعات بر روی ترانسپوندرها افزایش یافته است. به عنوان مثال در گذشته بر روی یک ترانسپوندر یک کانال تلویزیونی ارسال می‌گردید ولی در حال حاضر در ماهواره‌های دیجیتالی ۱۶ کانال ارسال می‌گردد که به زودی این عدد به ۶۴ کانال خواهد رسید.

تجهیزات دریافت و ارسال ماهواره، ارزان و در دسترس همه قرار گرفته است. در گذشته تجهیزات ماهواره بسیار گران و استراتژیک بود در حال حاضر عمومی (Popular) گردیده و به ارزانی در اختیار همه قرار دارد. به عنوان مثال LNB دیش ماهواره اسد آباد همدان ابعادی به اندازه یک اطاق داشت ولی در حال حاضر LNB ها کوچک و تجاری و به آسانی در تمامی بازارها به فروش می‌رسد. می‌توان گفت شاید تجهیزات ماهواره در ۳۰ سال گذشته صدها برابر کارتر و صدها برابر ارزاتر گردیده به طوریکه در حال حاضر، راه اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای در توان شرکتهای تجاری نه چندان بزرگ نیز می‌باشد.

تقریباً تمامی ماهواره‌ها، دارای آنتن‌های Global بوده و اساساً مشکل پوشش از بین رفته است. با این تفاوت که بر مبنای موقعیت و سیگنال، قطر دیش تغییر می‌یابد. به عنوان مثال ماهواره‌های ترکیه در ایران با یک دیش یک فوت نیز قابل دریافت است. در حال حاضر ۹۷ شبکه ماهواره‌ای از ۱۵ کشور جهان خاک جمهوری اسلامی ایران را تحت پوشش قرار داده‌اند که بر روی برخی از این ماهواره‌ها تا بیش از ۲۰۰ کانال تلویزیونی به طریق دیجیتال پخش می‌گردد. اینترنت در کشور ما از سال ۱۳۷۵ توسط یک خط ۳۶k راه‌اندازی گردید. تعداد مشترکین پر ظرفیت مخابرات در سال ۱۳۷۹، ۱۹۵ مشترک و در سال ۸۰، ۷۰۰ مشترک بوده که پیش بینی ۱۵۰۰۰ مشترک در سال جاری می‌شود. در حال حاضر حداقل بیش از ۱۰۰ نقطه تماس بین‌المللی و ۷۰۰ توزیع کننده اینترنت (ISP) در کشور وجود دارد.

پیشرفت صنایع ارتباطی، جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است. ارتباطات در کشورهای پیشرفته حرف اول را در توسعه، اقتصاد و مسائل اجتماعی می‌زند. چالش اصلی ما تطابق مسائل اجتماعی - اعتقادی مردم با سازوکارهای جدید می‌باشد. به نظر می‌رسد از هم اکنون می‌بایست گروههایی مسائل تکنیکی، اجتماعی و سیاسی آنها را مورد بررسی قرار دهند. آنچه مسلم است در آینده نزدیک ارتباطات با سرعت بالا (۵۰ Mbps) به سادگی در منازل در دسترس

عموم خواهد بود این بدان معنی است که با یک زوج سیم همه مردم می‌توانند به دنیای خارج (اینترنت، تلفن، فاکس، ارتباطات شبکه‌ای کامپیوتری و حتی تلویزیونهای کابلی) دسترسی پیدا کنند.

تحولات چشمگیر و باور ناکردنی در صنعت ارتباطات و دسترسی مردم به ماهواره و اینترنت آثار خاص سیاسی و فرهنگی خود را خواهد داشت که هم از لحاظ فرهنگی و هم از لحاظ سیاسی برای ما اهمیت دارد. اکنون تحولی دیگر هم در حال وقوع است که فعلاً بعضی از کشورها منجمده ایران با آن مخالفت کرده‌اند و آن بحث باند UHF برای پخش برنامه‌های تلویزیونی است که اگر این ماهواره‌ها با این تکنولوژی فعال شوند دیگر نه دیش ماهواره‌ای می‌خواهد و نه رسیور. هر تلویزیون معمولی قادر است مستقیم از ماهواره برنامه را بگیرد، که یک تحول بسیار شگرف خواهد بود و خود به خود آسیب اجتماعی فراوانی هم به همراه خواهد داشت. ما باید خودمان را برای آن روز آماده کنیم و برای آن راه حل پیدا کنیم. مسلماً آنچه تا امروز دنبال می‌شده ممانعت مردم از دریافت برنامه ماهواره بوده است. اگر بر فرض این طرح برای کوتاه مدت کارساز باشد، بی‌تردید برای بلند مدت کارساز نخواهد بود. ما باید بتوانیم در جامعه آمادگی لازم فکری و فرهنگی را ایجاد کنیم و آنچنان نسل جوان خودمان را واکنش‌ناپذیر نماییم که بتوانند در برابر این امواج، ایستادگی و تحمل کنند و هویت دینی، اسلامی و ایرانی خودشان را از دست ندهند و از طرف دیگر با ساختن برنامه‌های متنوع تلویزیونی و گسترش آن و اشاعه اطلاعات لازم و مفید، نسل جوانمان را اشباع نماییم.

تحولات و تغییرات اجتماعی طی دو دهه اخیر

جمعیت کشور طی دو دهه گذشته به دو برابر افزایش یافته و جامعه به شدت جوان شده است. جامعه جوان نیاز و مقتضیات خاص خود را دارد که در نگرشها، تمایلات، انتظارات و رفتار آنان قابل مشاهده است. بدون شک تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور از این متغیر متأثر شده و می‌بایست سیاستها و سیاستگذاری‌ها با توجه به آن تدوین گردند. یک تحول بزرگ، نرخ رشد نسل جوان جامعه ما است. از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۴، رشد جمعیت کشور ما حدود ۳/۹ بوده است. اگر جمعیت کشور را در آن زمان حدود ۳۷ میلیون نفر در نظر بگیریم، سالانه حدود یک و نیم میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شده است. کودکان آن زمان هم به جوانان امروز تبدیل شده‌اند، که همه آنها شغل، مسکن و سایر زندگی و دیگر مطالبات را خواهند داشت. این مسئله خود می‌تواند به یک معضل بزرگ در جامعه ماتبدیل شود.

طی دو دهه گذشته سطح سواد در کشور به شدت افزایش یافته است. طبق اعلام رسمی در سال ۱۳۷۵ به ۷۹ درصد رسیده است. این در حالی است که در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی کمتر از نیمی از مردم از نعمت سواد برخوردار بودند. در کنار رشد کمی جمعیت با سواد، رشد کیفی نیز با افزایش چشمگیر توسعه آموزش عالی کشور همراه بوده است. در حالی که تعداد دانشجویان کشور در سال ۱۳۵۵ محدود به ۱۵۰ هزار نفر بود، در سال ۱۳۸۰ این رقم به حدود ۱/۴ میلیون نفر افزایش یافته است. افزایش سطح تحصیلات ضمن اینکه دانشجویان را با اندیشه‌ها، تئوری‌ها، گفتمانها و نگرشهای متفاوت آشنا می‌سازد، خود دانشجویان نیز عامل بسیار مؤثری برای ترویج و انتشار این اندیشه‌ها در سطح جامعه می‌باشند.

این سیل عظیمی از جوانان که وارد دانشگاه شده و از دانشگاه خارج می‌شوند، اگر آموزش عالی کشور برنامه با کیفیتی در دانشگاه داشت، می‌توانست فرصت بسیار خوبی برای نظام باشد که این همه جوان در محیط دانشگاهها به فرهنگ اسلامی - ایرانی آشنا شوند و به عنوان متخصص متعهد و مسلمان و وطن پرست از دانشگاهها فارغ التحصیل گردند. چون ما آمادگی کافی نداشته‌ایم، نسل جوان ما در دانشگاه با افکار وارداتی و با تئوریهای جدید و متأسفانه ناقص و ترجمه‌ای مواجه شده است. دانشجویان نیز واسطه‌ای بین نخبگان جامعه و توده مردم عادی کشور برای انتقال یافته‌های خود در دانشگاه بوده‌اند که این خود موجب تحولی جدید در جامعه امروز ما شده است. بنابراین، می‌توان تأکید کرد افزایش تعداد دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی و همچنین افزایش نرخ سواد در کشور تحولات ساختی کاملی را در جامعه پدید آورده است که خود منشأ بسیاری از تحولات، روابط و تفکرات و اندیشه‌های جدید در میان اقشار مختلف جامعه شده است.

همچنین طی دو دهه گذشته شاهد افزایش چشمگیر جمعیت به ویژه جمعیت شهرنشین بوده‌ایم. صرف نظر از علل و پیامدهای جامعه شناختی این گونه مهاجرتها، افزایش جمعیت شهرنشین، بروز کلان شهرهای با جمعیت‌های میلیونی، رشد تعداد شهرها و رشد نسبت جمعیت شهرنشین، ساختار اجتماعی کشور به شدت از این موضوع متأثر و آثار اجتماعی خاصی را در جامعه پدید آورده است.

به طور مداوم روستاها تخلیه می‌شوند و به شهرستانها روی می‌آورند، شهرستانها تخلیه شده و به کلان شهرها پناه می‌برند. یک روستایی که پنج سال پیش در یک روستای کوچک زندگی می‌کرد در شهر بزرگ میلیونی، با دهها مسئله جدید از قبیل جدایی از خانواده و طایفه، گمنامی و دهها مسئله دیگر مواجه می‌شود. آنوقت که در روستا زندگی می‌کرد همه افراد

روستا همدیگر را می‌شناختند، ولی در شهر بزرگ با یک فضای جدیدی مواجه می‌شود و در واقع از چتر نظارتی همسایه، اقوام و هم روستایی خارج می‌شود؛ با فرصت‌های جدید اجتماعی، وضع مسکن، آپارتمانها، افراد متنوع، وضع خیابانها، پارکها، سینماها و بسیاری از مسائل مختلف که با آنها مواجه می‌شود. اصلاً کلان شهرها معضلات خاص خودشان را دارند و روز به روز این کلان شهرها در حال افزایش هستند. مرتب شهرهای بزرگ، بزرگتر شده و روستاها تخلیه می‌شوند، که علاوه بر معضلات فراوان اقتصادی و سیاسی در جامعه، موجب آسیبهای اجتماعی نیز می‌گردند.

بنابراین پیچیدگی و تنوع روابط و مناسبات اجتماعی، جایگزین شدن روابط ثانویه به جای روابط چهره به چهره، ارتقاء سطح دسترسیهای اطلاعاتی و تنوع نگرشها همه از آثار رشد و گسترش شهرنشینی در یک جامعه است. ارتقاء نرخ شهرنشینی را باید یکی از تحولات بزرگ ساختی جامعه شناختی ایران دانست که به کلی روابط و مناسبات اجتماعی را دچار دگرگونی کرده است.

نکته دیگر افزایش شتابنده حضور زنان در عرصه عمومی بویژه در حوزه آموزشی کشور است. طبق اعلام آموزش عالی کشور در سال ۱۳۸۰ نسبت دختران پذیرفته شده در دانشگاه به پسران ۶۲ درصد در مقابل ۳۸ درصد بوده است. این شرایط، به کلی روابط و مناسبات قبلی اجتماعی که زنان را بیشتر در عرصه خصوصی و خانواده، نگاه می‌داشت، دچار دگرگونی خواهد کرد. با افزایش سطح سواد و نقش‌پذیری اجتماعی زنان، جامعه شاهد طرح مطالبات حقوقی جدید از سوی زنان است که روابط جدیدی را بر جامعه تحمیل خواهد ساخت.

شرایط حضور زنان در صحنه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، کاملاً وضع را نسبت به گذشته متفاوت کرده است. هیچگاه زنان مطالبات و توقعاتشان مثل امروز نبوده است. حضور اینهمه زن در دانشگاهها تحول بزرگی است. این همه دختر که وارد دانشگاه می‌شوند و با سطح تحصیلات عالی از دانشگاه خارج می‌گردند، توقعات جدیدی را مطرح می‌نمایند. اینها خواهان روابط جدید و نظام جدید اجتماعی می‌باشند و هنجارهای گذشته را تغییر می‌دهند. در کنار این مسئله، رشد گروههای اجتماعی مثل گروه، سازمان، حزب، جمعیت و جامعه با هدف فرهنگی و یا سیاسی و یا صنفی توسط زنان بوجود آمده است که هر کدام پرچم، تفکر و ایده‌ای را همراه دارند. همه اینها می‌خواهند آن هنجارهای سنتی قدیم را بشکنند و یک هنجار جدیدی را در جامعه ترویج کنند، در حالی که آن قبلی تخریب می‌شود بدون اینکه، این جدید بوجود آمده باشد. شما ببینید در این شرایط چه عدم تعادل هنجاری در جامعه ما بوجود خواهد آمد.

بنابراین، از این نظر نیز جامعه ما دچار تکانه‌های شدید ساختاری شده و تحولات ژرف و عظیمی را تجربه خواهد کرد. باید در سیاست‌گذاریها و تصمیمات اجتماعی این متغیر به عنوان یک متغیر کلیدی مدنظر قرار گیرد. قطعاً نمی‌توان زنان را که حضور آنها در عرصه عمومی به شدت در حال افزایش است مجبور به پذیرش قواعد و مناسباتی کرد که در یک جامعه سنتی و ساده قابل اجرا بوده است.

یک تحول جدید در جامعه امروز ما ظهور گروه‌های متعدد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... است. علیرغم اینکه ممکن است میزان سازمان‌های غیر دولتی در عرصه‌های متعدد آنچنان که با نیازهای اجتماعی منطبق باشد، گسترش نیافته باشد، اما دامنه این گروه‌ها رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد و عرصه‌های گوناگون ورزشی، هنری، سیاسی و اجتماعی میدان حضور آنها گردیده است. گروه‌های اجتماعی که امروزه تحت عناوین متعدد، زنان، جوانان، کارگران، دانشجویان، دانش‌آموزان و صنوف به فعالیت مشغولند، توانسته‌اند درصدی از اقشار اجتماعی را متوجه نگرشها و دیدگاهها و فعالیت خود بنمایند. گروه‌ها و احزاب سیاسی با نامهای متعدد بروز یافته است و تلاشی مستمر در جهت جذب، اثربخشی و ایجاد سازماندهی اقشار متعدد اجتماعی هستند.

احزاب سیاسی می‌توانند در نهادینه شدن ارزشها، جهت دهی به مطالبات اجتماعی، توجه و تأکید بر منافع ملی و جلب تعهدات جمعی، نقش بی‌بدیلی ایفاء نمایند. اما احزاب سیاسی کشورمان به دلیل بی‌تجربگی در مسائل حزبی، توجه بیش از حد به مسائل بانندی و قدرت طلبی، معضلات فراوانی را برای جامعه ما بوجود آورده‌اند. قواعد، هنجارها و ضوابط رفتاری سنتی توسط این گروه‌ها مورد چالش قرار گرفته است بدون آنکه الگوهای جدیدی شکل گرفته باشد که بتواند جامعه را در سطحی بالاتر سامان داده و به انسجام جمعی بیانجامد.^{۲۹} لذا تا رسیدن به مرحله انسجام، با فروپاشی هنجارها و قواعد سنتی، جامعه دچار نوعی نابسامانی و اختلالهای رفتاری می‌گردد که مهمترین آن اختلال در سطح ارزشها و هنجارها است. با وقوع این پدیده است که جوامع در حال گذار انواع نابسامانیها را تجربه می‌کنند. لذا باید با شناخت مناسب این فرایند بتوان این مرحله را به زودی پشت سر گذارند. عدم شناخت و عدم برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مناسب می‌تواند جامعه را به سوی فروپاشی اجتماعی سوق دهد.

۲۹. نگاه کنید به:

Charles Jencks: "What is Post-modernism" in W.T.Anderso, The Fortana Post Modern Reader, London, Fontana, 1996, pp. 26-30.

عدم کارآمدی نظام

دولت ضعیف به سرعت اعتماد عمومی را نسبت به ساختارهای سیاسی - اجتماعی از دست خواهد داد. ما نیازمند به یک دولت مقتدر هستیم. یک نظام مقتدر باید دارای انسجام درونی در داخل حاکمیت باشد که متأسفانه در این زمینه ما دچار مشکل هستیم. باید با توجه به اصل شایسته سالاری، مسئولیتهای مهم و کلیدی را در اختیار افراد کاردان و متعهد قرارداد که قدرت درک ضرورت های مصالح و منافع ملی را داشته باشند و آنرا فراتر از مصالح فردی و جناحی و گروهی خود قرار دهند و علاوه بر آن دارای دانش و تجربه کافی برای مسئولیت مورد نظر باشند.^{۳۰}

از طرف دیگر حجم دولت باید کوچک شود، همان تصمیمی که دهها سال است در کشورهای پیشرفته اجرا شده است، ولی متأسفانه در کشورمان حجم دولت روز به روز بزرگتر می شود.^{۳۱} همچنین تصدی گری دولت باید کاهش یابد و کارها به مردم واگذار شود. یکی از راههای اساسی مبارزه با مفساد اداری و اقتصادی همین است. دولت باید برنامه ریز و ناظر باشد و نه مجری طرحهای اقتصادی.^{۳۲}

اصل برنامه ریزی های واقع بینانه نیز بسیار حائز اهمیت است. متأسفانه در این زمینه هم با مشکل مواجه ایم. اگر دنبال برنامه ریزی درست اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بودیم امروز شاهد این همه مشکلات و آسیب های اجتماعی نبودیم. حل معضلات اجتماعی از دست یک دولت کارآمد و یک نظام مقتدر بر می آید. باید همه تلاش کنیم تا دولت مقتدرتری داشته باشیم. دولت امروز ما با توان فعلی در برابر این مشکلات کم می آورد. بنابراین باید کاری کنیم که اقتدار دولت را بالا ببریم و دارای نظامی کارآمد باشیم.

توطئه های خارجی

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همواره با توطئه های خارجی مواجه بوده ایم. ولی در سالهای اخیر بیش از گذشته شاهد این توطئه ها هستیم، که حتی گاهی به صورت مستقیم در

۳۰. نگاه کنید به:

C.B.Macpherson, **Democratic Theory: Essays in Retruval**, London, Oxford, U.P. 1976, p. 27.

۳۱. نگاه کنید به:

K.Delbeare and P. Delbeare, **American Ideologies**, Chicago: Rand McNally, 1973, p. III.

۳۲. نگاه کنید به:

Milton Friedman, **Capitalism and Freedom**, Chicago: University of Chicago, 1962, pp. 15-16.

اغتشاشات و تظاهرات داخلی کشور، مداخله و گاهی فرماندهی می کنند. براون بانک ولانتوس نمایندگان کنگره آمریکا می گویند «ج.ا.ا. به سوی انفجار اجتماعی - سیاسی پیش می رود. باید شرایطی را فراهم کنیم تا مخالفان، قدرت را به دست گیرند و خمینی گراها تندرو را کنار بگذارند.»^{۳۳} امروزه استکبار همه توان خود را برای ناآرامیهای داخل کشور بکار گرفته و فکر می کند از این طریق می تواند به یک حکومت دست نشانده در تهران برسد. مایکل روبین از اینکه در تهران بشقابهای ماهواره ای را جمع می کنند بسیار عصبانی است و از آن بشدت انتقاد می کند.^{۳۴}

اخیراً شنیدید که نتانیاهو نخست وزیر سابق اسرائیل در مجلس نمایندگان آمریکا گفت: با ارسال برنامه ماهواره ای که رژیم ایران آنها را انحرافی می داند، می توان رژیم را سرنگون کرد. با پخش برنامه هایی که در آن زنان زیبا با بدنهای برهنه ظاهر شوند و پرداختن به امور دنیوی از قبیل زندگی تجملی و صحنه های جنسی می توان در ایران، انقلابی را به راه انداخت.^{۳۵} تقریباً کمتر معضلی را می توانیم در کشور ببینیم مگر آنکه خارجی ها دخالت مستقیم و یا غیر مستقیمی در آن دارند.

به عنوان مثال آمریکاییها که در افغانستان مستقر شدند. انتظار این بود که نیروهای غربی مانع گسترش مواد مخدر شوند، ولی آنچه که امروز در افغانستان انجام می دهند این است که تولید مواد مخدر و کشت خشخاش را کاملاً آزاد گذاشته اند ولی جلوی تبدیل تریاک به مرفین و هروئین را گرفته اند. می دانید مرفین و هروئین در ایران مصرف ندارد و قاچاقچی ها آنها را ترانزیت می کنند. در اروپا و آمریکا مرفین و هروئین مصرف دارد ولی در داخل ایران، تریاک مصرف دارد و معمولاً تریاک در اینجا رسوب می کند. تریاک را آزاد گذاشته اند ولی جلوی مرفین و هروئین را گرفته اند. آمریکاییها تمام مرزهای جنوبی پاکستان را با گشت قایق و ناوچه بسته اند. در شمال افغانستان هم مسیر ترانزیت مواد مخدر را بسته اند ولی سمت غرب را آزاد گذاشته اند. نتیجه این که همه مواد مخدر به سمت ایران سرازیر می شود. در این ماجرا توطئه غرب کاملاً آشکار است. به ظاهر می گویند با مواد مخدر مبارزه می کنیم چون در جنوب و در پاکستان و در شمال مبارزه می کنند ولی سمت ایران و غرب افغانستان را کاملاً باز گذاشته اند. از این طرف لائبراتورهارا از بین می برند که تریاک تبدیل به مرفین و هروئین نشود، از طرف

۳۳. خبرگزاری ج.ا.ا. مورخ ۸۷۵/۱۴ به نقل از روزنامه نیویورک تایمز.

۳۴. واحد مرکزی خبر مورخ ۸۷۳/۲۲ به نقل از آخرین شماره هفته نامه پانوراما چاپ ایتالیا.

۳۵. سخنان نتانیاهو در برابر اعضای کمیته اصلاحات دولتی مجلس نمایندگان آمریکا، خبرگزاری ج.ا.ا. مورخ ۸۷۶/۲۲

دیگر تولید تریاک و صادرات آن را باز و آزاد گذاشته‌اند. کامل مشهود است که در تمام این برنامه‌ها یک توطئه حساب شده علیه منافع و امنیت ملی ما طراحی شده است.

راه حلها

در برابر این همه آسیب‌هایی که روبروی ما است باید چه کنیم؟ در فرصت باقی مانده به این مهم به صورت فهرست وار اشاره می‌کنم:

۱- باور نمودن آسیب‌های اجتماعی به عنوان یک معضل اجتماعی و ضرورت چاره‌جویی برای آنها

اولین مسئله این است که باید مسئولین نظام به این مسئله اهمیت لازم را بدهند. متأسفانه دست‌اندرکاران و نهادهای مسئول کشورمان آنچنان به مشاجرات و منازعات سیاسی و جناحی سرگرم شده‌اند که گوئی معضلات اجتماعی به فراموشی سپرده شده است. این اولین گام است؛ توجه لازم به مسئله آسیب‌های اجتماعی. اگر پیام این سمینار همین نکته باشد که مسئولین باید به این مسئله اهمیت لازم را بدهند و به حاکمان و کارگزاران نظام اعلام کنیم که آسیب‌های اجتماعی به مرحله خطرناکی رسیده است و پیدا کردن راه چاره یک ضرورت فوری است، کار مهمی انجام شده است؛ مخصوصاً برای کشور و انقلابمان که یک انقلاب فرهنگی بوده و انقلابمان با ایثار و فداکاری جوانهای مؤمن پیروز شده است. دفاع مقدس با فرهنگ جهاد و ایثار و با فداکاری جوانهای مؤمن پیروز شده است. امروز هم حفظ این نظام بر دوش جوانهای مؤمن و مخلص ما است.

به این سخن نتانیاهاو باید دقت شود که گفت با برنامه‌های ماهواره‌ای و برنامه‌های سکسی و فاسد باید نظام اسلامی را از بین برد. تعبیر ناسنجیده او این بود که با برنامه‌های مبتذل می‌توان در ایران یک انقلابی بپا کرد. البته این گونه طراحی‌ها نشان از بی‌خبری این افراد از جوانان پرشور، مؤمن و مخلص و نهادهای مذهبی و دینی و آموزشی کشور ما است. به هر حال دشمن به آسیب‌های اجتماعی خیلی امید بسته و می‌خواهد از طریق همین آسیب‌ها نظام را هدف قرار دهد. بنابراین اولین مسئله این است که بحث آسیبهای اجتماعی در لیست اولویتهای کشور قرار گیرد و از فراموشی و بی‌تفاوتی، خارج شود.

در شرایط امروز جامعه، اگر مدعی شویم به سمت آشفستگی اجتماعی پیش می‌رویم مبالغه و اغراقی نکرده‌ایم. رشد ناهنجاریهای اجتماعی، تعارضات فرهنگی و فکری در جامعه، رشد

بدبینی و بی اعتمادی، افزایش فزاینده مطالبات، کاهش احساس امنیت اجتماعی و رشد جنبشهای اجتماعی و دهها عامل دیگر جامعه ما را به سمت یک آشفتگی اجتماعی - سیاسی به پیش می برد. باید قبل از هر چیز اهمیت مسئله برای حاکمان ما روشن شود.

۲- لزوم اجماع نظر مسئولین در شیوه کار

اگر دولت، مجلس، قوه قضاییه، ائمه جمعه، دانشجویان و همه و همه خطر را مثل هم نبینند، نمی توانیم با این معضل مقابله کنیم. اگر یکی بگوید آزادی به صورت موجود خیلی خوب است، دیگری بگوید آزادی به این صورت، خیلی خطرناک است؛ یکی بگوید برنامه ماهواره و اینترنت موجب رشد و شکوفایی جامعه است، دیگری بگوید بسیار خطرناک است، نمی توانیم برای رفع این معضلات راه حل پیدا کنیم. بدون آنکه مسائل مختلف اجتماعی به خوبی تجزیه و تحلیل شود و به دقت به راه حل صحیح و جامعی برسیم، نمی توانیم با آسیب ها مقابله نماییم. متأسفانه بیشتر طرحهایی که در این زمینه اعلام می شود به شعار بیشتر شباهت دارد تا به برنامه. ما طراحی درستی در زمینه این معضلات اجتماعی نداریم، یک وقت به این نتیجه می رسیم که هیچکس در کشور نباید ماهواره داشته باشد؛ همین الان هم قانون ما همین است ولی در عمل هیچ توفیقی بدست نیاوردیم. اگر در کنار ممنوعیت ماهواره، چند کانال تلویزیونی کشورمان را اختصاص می دادیم به پخش برنامه های مفید ماهواره ای و به شرکتهای خصوصی اجازه می دادیم تا برنامه های مفید و ارزشمند و یا لاقط غیر مضر پخش شده از طریق ماهواره ها را پخش کنند و جلوی عطش جامعه را می گرفتیم، بی تردید بیشتر موفق بودیم. باید در پی راه کار اجرایی و عملی باشیم و راهکارهای صحیح را پیدا کنیم و مهمتر از همه، به یک اجماع نظر برسیم. با وجود اختلافات و نظرات گوناگون به نتیجه نخواهیم رسید.

۳- برنامه ریزی لازم در زمینه مسائل اقتصادی فرهنگی و اجتماعی

مسئله سوم برنامه ریزی لازم برای مسائل اقتصادی و فرهنگی است. تا بیکاری در جامعه ما حل نشود و تا زمانی که این سیل بیکاران روز به روز تشدید می شود و تا قدرت خرید مردم افزایش نیابد، نمی توانیم با آسیب ها مبارزه کنیم. به قول معروف بی مایه فطیر است. بدون اینکه ما بتوانیم در بخش اقتصادی معضلات مردم را حل کنیم، نمی توانیم با بخشنامه و دستورالعمل و یا مجازات، معضلات را حل نماییم. در کنار کار فرهنگی و فعالیت فرهنگی و آموزشی باید برنامه صحیح اقتصادی داشته باشیم. بنابراین ما نیاز به برنامه ریزی داریم. برای حل معضل

بیکاری - که واقعاً امّ فساد و ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است - راهی جز رونق اقتصادی، امنیت برای سرمایه گذاری، جذب سرمایه خارجی، خصوصی سازی، احیاء صنعت توریسم و امثال اینها نیست. به این نکته هم توجه داشته باشیم که اکثریت بیکاران را جوانان تشکیل می دهند. سهم گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله از جمعیت بیکار کشور ۷۹٪ است. این جمعیت جوان بیکار حدود ۲/۴ میلیون نفری فعلی، ظرفیت بالقوه‌ای برای ایجاد هرگونه ناهنجاری و حتی بحران در کشور است. ۵۵/۵ درصد از جمعیت بیکار کشور دارای تحصیلات زیر دیپلم و یا بی سواد هستند. نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهها از ۴/۷ درصد سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. مشکل بیکاری نه با توصیه حل می شود و نه با وام. راه حل، رونق بخش تولید و خدمات است. ما نیاز به تصمیمات بزرگ و کلان در کشور داریم و باید شهامت این تصمیم گیرها را داشته باشیم و نباید اسیر شعار باشیم.

۴- مشارکت عمومی مردم

مشارکت عمومی یک ضرورت برای حل معضلات اجتماعی است. دولت به تنهایی قادر نیست. باید همه دست به دست هم دهیم. مردم باید وارد صحنه شوند. الان در کشورهای پیشرفته و غربی چنین است. هنجارهای اجتماعی در کشورهای غربی چگونه سامان یافته است؟ این امر به معروف و نهی از منکر که ما فقط شعارش را می دهیم غربی ها به آن عمل می کنند. شما در اروپا، سربیک چهارراه بایستید، ببینید اگر کسی از چراغ قرمز رد شد، چه اتفاقی می افتد؟ پلیس در آنجا حضور ندارد ولی می بینید چند نفر از مردم عادی شماره ماشین متخلف را برداشتند. فردی که پشت فرمان است، کسی که به عنوان عابر عبور می کند، کسی که در کنار مغازه ایستاده، همه با چهره عبوس و عصبانی با این متخلف برخورد می کنند و همه آنها با تلفن به پلیس اطلاع می دهند. به این صورت امر به معروف و نهی از منکر انجام می شود. آن چیزی که آنها معروف می دانند همه را به آن تشویق می کنند و هر آنچه را که منکر می دانند، همه با آن مقابله می کنند. البته ممکن است آنها چیزی را منکر بدانند ولی ما منکر ندانیم، و یابالعکس، این بحث دیگری است. آنچه که آنها معروف و منکر می دانند، نسبت به آن حساسند و در صحنه، مردم، حضور دارند. متأسفانه ما فقط شعار امر به معروف و نهی از منکر را می دهیم بدون آنکه جامعه ما در عمل مشارکتی داشته باشد. در این مشارکت نقش نهادهای دینی و مذهبی و غیر دولتی مثل حوزه‌های علمیه، مساجد، احزاب و تشکلها بسیار مهم است. البته اجتماعات روز جمعه یعنی نمازهای جمعه و ائمه جمعه نیز نقش بسیار مهمی را می توانند ایفاء کنند.

نقش نماز جمعه

در بحث مقابله با معضلات اجتماعی، نماز جمعه از دو دیدگاه اهمیت دارد. یکی اینکه چهار صد امام جمعه در سراسر کشور با یک صدایی می‌توانند تأثیرگذار خوبی بر کارگزاران نظام داشته باشند. اگر صدا واحد باشد قطعاً کارگزاران نظام را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا هم آسیبها را جدی بگیرند و هم در پی راه چاره باشند. از طرف دیگر خود مردم که در نمازها حضور می‌یابند که در مجموعه عدد بالایی هستند آگاهی آنان می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

البته امام جمعه خودش با دست خالی و دست تنها نمی‌تواند به صورت مطلوب در این صحنه ظاهر شود. باید از همه نظر حمایت شود. مخصوصاً کمک‌های علمی، فکری و اطلاعاتی. یعنی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه در آینده باید تبدیل شود به یک نهادی که بتواند همه اطلاعات لازم را به ائمه جمعه بدهد. کافی نیست که مطالبی به صورت بخشنامه و یا جمع‌آوری اخبار و حداکثر پیشنهاد محورهایی برای خطبه‌ها، برای ائمه جمعه ارسال شود. اگر ائمه جمعه بخواهند در حل معضلات اجتماعی به صورت فعال وارد شوند، چه معضلات سیاسی، چه معضلات فرهنگی و چه آسیب‌های اجتماعی، به یک کمک فکری و اطلاعاتی مداوم از یک مرکزیت جامع، نیاز دارند. البته نهادهای دیگر هم می‌توانند به شورای سیاستگذاری کمک کنند. همه باید دست به دست هم بدهیم تا خطبه‌ها را پر بارتر، جذابتر و تأثیرگذارتر سازیم. آسیب‌های اجتماعی که موضوع این سمینار است متأسفانه در شرایط فعلی به نقطه بحران نزدیک شده است. اگر چاره‌جویی فوری نشود و همه، دستها را بالا نزنیم، بی‌تردید به مراحل خطرناکی خواهیم رسید. *تولید علوم انسانی*

در طرح بسیاری از مباحث مهم اجتماعی ما نیاز به دسترسی به مطالب علمی که از طرف اندیشمندان و دانشمندان داخلی یا خارجی تدوین شده است، داریم. نیاز به نتیجه‌نظرسنجی‌های لازم در این زمینه داریم. نیاز به اطلاعات لازم از فعالیت نهادهای ذیربط کشورمان داریم و بالاتر از آن، نیاز به یک طراح جامع برای رفع معضل داریم. باید مرکزیتی، مسئولیت را بین نهادهای رسمی، نهادهای غیر دولتی، مراکز دینی و تشکلهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تقسیم کند، تا سریع‌تر به اهداف دست‌یابیم.

امید است شورای سیاستگذاری در زمینه مسائل مهم اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی فعال‌تر شود و با کمک نهادهای مربوطه بتواند اطلاعات مورد نیاز را در اختیار ائمه جمعه محترم قرار دهد تا شاهد خطبه‌های پر بارتر و مؤثرتر در نمازهای جمعه سراسر کشور باشیم.